

نقش وفاداری در اعتماد آفرینی و راهبردهای توسعه‌ی آن در نهاد خانواده با رویکرد به آیات و روایات

سید ابوالقاسم نقیبی *

زری زمانی **

چکیده

نکاح نهادی عاطفی، اجتماعی و حقوقی است که محصول آن زوجیت است. از جمله عناصر در پایداری زوجیت وفاداری است، وفاداری به معنای التزام و پایداری به پیمان زناشویی و خیانت نکردن به همبستگی عاطفی و جنسی است. آیات و روایات متضمن لزوم وفاداری در مطلق پیمان‌ها و ضرورت پای‌بندی به همبستگی عاطفی در پیمان زناشویی، مهم‌ترین ادله‌ی وجوب وفاداری به شمار می‌آیند. علاوه بر آن آموزه‌های اخلاقی ما را به وفاداری در پیمان زناشویی رهنمون می‌گردانند. عفت و پارسایی جنسی، عدم تنوع‌طلبی و تمکین جنسی از مهم‌ترین عناصر وفاداری به شمار می‌آیند. حسن معاشرت، پاکیزگی ظاهری، رعایت الزامات حقوقی چون نفقه نیز در تعمیق و توسعه‌ی وفاداری مؤثر می‌افتند. بدون تردید وفاداری بستر شکل‌گیری اعتماد به شمار می‌آید، عشق و محبت بین زوجین و ابراز آن و کاربست صداقت در مناسبات زوجین، خیرخواهی، رازداری، پرهیز از مخفی‌کاری و حسن ظن از مهم‌ترین عوامل تعمیق و توسعه‌ی اعتماد در مناسبات زوجین در تعالیم اخلاقی و حقوقی اسلام است.

کلید واژه

وفاداری، اعتماد آفرینی، خانواده، آیات، روایات.

*- دانشیار مدرسه عالی شهید مطهری

** - کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

(۱) معناشناسی وفاداری و اعتماد و جایگاه وفاداری و اعتماد در**متون دینی****۱ - ۱) معنا شناسی وفا**

وفا در لغت‌نامه‌ها در معانی وعده به جای آوردن و به سر بردن دوستی و عهد و سخن به کار می‌رود. (غیاث‌الدین رامپوری ۱۲۷۷: ص ۵۳۸) همچنین دهخدا به نقل از کتاب ناظم‌الاطباء بیان می‌دارد که وفابه معنای به سربردگی عهد و پیمان و قول و سخن و درستی و استقامت و ثبات در عهد و پیمان و قول و سخن و دوستی و صفا و صدق و ضمانت در کار و کردار می‌باشد (دهخدا ۱۳۳۸: ج ۶۸، ص ۲۲۳).

از جمله رهیافت‌های دریافت مفهوم وفا آگاهی از واژه‌ی ضد آن یعنی غدر است. ابن منظور در این باره می‌نویسد: «وفا ضدِ غدر» به معنای خیانت، بی‌وفایی و پیمان‌شکنی است (ابن منظور ۱۳۸۸: ج ۱۵، ص ۳۹۸). بنابراین وفا به معنای پیمان و پایداری در آن است. یکی دیگر از واژه‌هایی که در تعامل وفا قرار دارد جفا است، چنان‌که مولوی در این باره می‌گوید:

«ای دل چه اندیشیده‌ای در عذر این تقصیرها

ز آن سوی او چندان وفا زین سوی تو چندین جفا»

(مولوی ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۴).

عالم‌ان اخلاق نیز در معناشناسی واژه‌ی وفا از تقابل معنایی وفا با جفا بهره‌جسته‌اند، مرحوم نراقی می‌نویسد: «در علم اخلاق اسلامی آمده است

که ضد وفا جفاست و آن قطع محبت دیگران یا بعضی از لوازم آن در ایام زندگانی شخص یا بعد از مرگ او نسبت به فرزندان و دوستانش است، از آثار وفا این است که شخص از جدایی و مفارقت محبوب بسیار بی‌تاب می‌شود و سخنان مردم را علیه او نمی‌شنود و دوست او را دوست و دشمن او را دشمن دارد» (نراقی: ۱۳۷۰: ج ۳، ص ۲۳۸).

بنابراین وفاداری زوجین به معنای التزام در پیمان زناشویی و پایداری در همبستگی عاطفی و جنسی است.

۱-۲) اهمیت وفاداری در آیات و روایات

۱-۲-۱) اهمیت وفاداری در آیات

وفاداری و پای‌بندی به پیمان‌ها از منظر قرآن در آیات متعددی ذکر شده است؛ از آن جمله است:

الف - «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود...»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به همه‌ی قراردادهای خود وفا کنید» (مائده: ۱).

عقود جمع عقد است. عقد کلمه‌ای عربی و مصدر باب عقد یعقد و در لغت به معنای بستن و گره زدن است. این واژه در مقابل کلمه‌ی حل به معنای باز کردن آمده است (ابن منظور ۱۳۸۸: ج ۳، ص ۲۹۶؛ زبیدی، ۱۳۸۶: ج ۸، ص ۳۹۴) و در اصطلاح فقیهان عبارت است از کلام هر یک از متعاملین یا کلام یکی از آنها و عمل دیگری است که شارع اثر منظور را بر آن مترتب کرده است

(نجفی ۱۳۹۴: ج ۲۲، ص ۳). و در عقد یک طرف بر قبول امری که مقبول طرف دیگر است خود را متعهد می‌سازد و عقد ازدواج نیز از جمله‌ی عقود شرعی و عرفی است که برای زن و شوهر تعهداتی ایجاد می‌کند تا طرفین خود را به مفاد آن پای‌بند بدانند؛ لذا آیه‌ی شریفه مؤمنان را به وفای همه‌ی عقود فرا می‌خواند و بر ضرورت پای‌بندی به پیمان‌ها تأکید می‌ورزد زیرا ظاهر از الف و لام در العقود این است که الف و لام برای عموم و شمول و همه‌ی پیمان‌ها و عقدها را شامل می‌شود (میرزای نائینی: ج ۱، ص ۱۰۴).

ب - «و أوفوا بالعهد إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»؛ «به عهد و پیمان خود وفا کنید که البته (در قیامت) از عهد و پیمان سؤال خواهد شد» (اسراء: ۳۴). مفاد عهد الزام و التزام است که الزام به جنبه‌ی فاعلی عهد نظر دارد و التزام به جنبه‌ی انفعالی آن ناظر است و استعمال عهد در این دو معنی بسیار است. در قرآن کریم در باره‌ی وفای به عهد و پیمان آیات بسیاری وجود دارد.

کاربرد صیغه‌ی امر در گزاره‌هایی از قرآن کریم که ما را به التزام به مفاد پیمان‌ها فرا می‌خواند از اهمیت و جایگاه برجسته‌ی وفای به عهد و وفاداری در تعالیم اسلامی حکایت دارد؛ لذا باید آن را واجب و یک الزام شرعی تلقی کرد. اشاره‌ی آیه‌ی شریفه مبنی بر سؤال از عهد و پیمان حاکی از این واقعیت است که پیمان منشأ مسئولیت است؛ لذا اخلاق و حقوق ما را به پای‌بندی به مفاد آن فرا می‌خواند.

ج - «... والموفون بعهدهم إذا عاهدوا...»؛ «مؤمنان کسانی هستند که به عهد خود وفا می‌کنند» (بقره: ۱۷۷).

د - «والَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»؛ «آنان که ادای امانت و وفای به عهد را رعایت می‌کنند» (مومنون: ۸).

لسان اخبار به کار گرفته شده در آیات شریفه، که در مقام انشاء است، بر تأکید مفاد آن دلالت دارد یعنی وفاداری در پیمان‌ها یک الزام مؤکد شرعی است.

۲-۲-۱) اهمیت وفاداری در روایات

الف - اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارشان از علی بن ابیطالب علیه السلام می‌فرماید: «هر کس برای زوجه‌اش شرطی کند باید به آن وفا کند، زیرا المسلمون عند شروطهم إلا شرطاً حراماً أو احلاً حراماً» (حر عاملی ۱۴۲۴: ج ۲۱، ص ۳۰۰، ح ۲۷۱۲۹) این روایت موثقه بوده و از اعتبار لازم برخوردار است و شرط نیز به معنای مطلق الزام و التزام است (المنجد: ص ۳۸۲) یعنی همه‌ی مسلمانان باید به همه‌ی الزام‌ها و التزام‌هایشان پای‌بند باشند مگر الزام و التزامی که حلالی را حرام یا حرامی را حلال کند.

ب - روایت سهل بن زیاد از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن محبوب از علی بن رثاب از موسی بن جعفر علیه السلام که در آن از آن حضرت درباره‌ی مردی که با زنی ازدواج و شرط کرده که اگر زن با او به بلادش بیاید به او صد دینار مهریه و اگر نیاید مهر او پنجاه دینار باشد سؤال شد، حال اگر زن ابا کند که به

شهر مرد نرود مهریه چگونه داده می شود؟ ایشان فرمودند: «اگر مرد بخواهد زن را به بلاد شرک ببرد پس هیچ شرطی به نفع او و علیه زن وجود ندارد و باید صد دینار را به زن مهریه بدهد و اگر بخواهد او را به بلاد مسلمانان ببرد پس آنچه بدان شرط کرده، عمل کند، زیرا مسلمانان به شروط خود پای بند هستند» (حر عاملی ۱۴۲۴: ج ۲۱، ص ۲۹۹، ح ۲۷۱۲۷).

حدیث اگرچه جمله‌ی خبری است، ولی در حقیقت در مقام انشای حکم و بیان کننده‌ی این مطلب است که وفای به شرط یک حکم تکلیفی نیست بلکه حکم وضعی و مفاد آن نفوذ و لزوم شرط است، به طوری که شخص را ملزم می کند تا به شرطی که نموده وفا کند (محقق داماد ۱۳۷۳: ج ۲، ص ۳۷). این روایات مشتمل بر آموزه‌های حقوقی مبنی بر لزوم وفاداری زوجین به مفاد پیمان‌هایشان است.

ج- علامه مجلسی از کتاب امالی شیخ طوسی روایتی نقل می کند که امام صادق علیه السلام از پدرشان نقل می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أقربکم منی غداً فی الموقف أصدقکم فی الحدیث و اذاکم للأمانة و أوفاکم بالعهد...»؛ «نزدیک‌ترین شما به من در موقف قیامت کسی است که راستگوتر، امانت دارتر و باوفاتر به پیمان باشد» (مجلسی ۱۴۱۲: ج ۲۶، جزء ۷۲، ص ۳۲۴، ح ۱۲). در این روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از عنصر قرابت در موقف قیامت برای ترغیب به وفاداری بهره جسته است. لذا پای‌بندی به پیمان‌ها از مؤلفه‌های مهم پیوستگی به نبی اکرم صلی الله علیه و آله تلقی می شود.

د - امام علی علیه السلام می فرمایند: «انّ الوفاء توأم الصدق وما أعرف جنّة اوقی منه»؛ «به راستی که وفا همزاد راستگویی است و سپری نگهدارنده تر از آن نمی شناسم» (رسولی محلاتی ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۵۵۳، ح ۱۰۳۳۲). در این روایت وفا عینیت بخشی و عملی ساختن تعهد و از معیارهای صداقت به شمار آمده است.

روایات اخیر مشتمل بر آموزه‌ی اخلاقی بر لزوم وفا در پیمان‌هاست. بر این اساس وفای به عهد و پیمان بسیار تأکید شده و علت سفارش معصومین علیهم السلام به این مقوله استواری نهادهای اجتماعی و از جمله حفظ و تحکیم نهاد خانواده است.

۲) اعتماد و جایگاه آن در روایات و موجبات وفاداری در متون

اسلامی

۱- عفاف

عفت از فضایل انسانی و عبارت است از حاصل شدن حالتی برای نفس آدمی که به وسیله‌ی آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود (راغب اصفهانی: ۳۳۹). بنابراین عفت نیروی درونی است که آدمی را در اعمال تمایلات جنسی تعدیل کرده و از پلیدی‌های شهوت مصون می‌دارد. از منظر قرآن کریم یکی از شاخصه‌های مؤمنین عفت و پاکدامنی است. قرآن کریم عفاف زن و مرد را این‌گونه بازگو می‌کند:

«قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم ویحفظوا فروجهم ذلک أزکی لهم إن الله خبیر بما یصنعون وقل للمومنات یغضن من أبصارهنّ و یحفظن فروجهنّ ولا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها...»؛ «ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت با زنان) محفوظ دارند...» و ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ بدارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار نسازند...» (نور: ۳۰ و ۳۱).

براساس این آیه یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های پارسایی جنسی و عفت در مردان چشم فروهستن نسبت به زنان نامحرم و حفظ فروج از گناه جنسی و در زنان نیز چشم فروهستن نسبت به مردان و پوشیدن روی و موی و سایر اعضای بدن است. به تعبیر دیگر قرآن کریم یکی از ساز و کارهای کنترل غرایز را در عفت نگاه و نظر می‌داند. قرآن کریم در آیه‌ی دیگری عفت در بیان را این‌گونه متذکر می‌شود: «یا نساء النبی لستنّ لأحد من النساء إن اتقیتنّ فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً» (احزاب: ۳۲). اگرچه خطاب این آیه زنان پیامبر است مع الوصف می‌توان از آن دریافت که نرم سخن گفتن با نامحرم در تعلیمات اسلامی رفتار بیانی پسندیده‌ای نیست. همچنین قرآن در آیه‌ی دیگر عفت در پوشش را بیان می‌کند «و لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها و لیضربن بخرمهن علی جیوبهن و

لا یبدین زینتهن الا لبعولتهن» (نور: ۳۰ و ۳۱) مصالح اجتماعی و فردی انسان اقتضا دارد که روابط مرد و زن تحت کنترل و با ضوابط و معیارهایی انجام شود. با تشکیل خانواده نسل انسان حفظ می‌شود و زمینه‌ی رشد عواطف، عشق، محبت، فضایل انسانی فراهم می‌شود. بنابراین عفت در ابعاد مختلف از جمله ساز و کارهایی است که تجربه و وفاداری زوجین در نهاد خانواده را تمهید می‌کند.

علاوه بر آیات، روایات نیز متضمن آموزه‌های فراوانی است که زنان و مردان مؤمن را بر پرورش فضیلت عفت رهنمون می‌شود.

هشام بن سالم از عقبه روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند: «نگاه تیری مسموم از ناحیه‌ی شیطان است، پس هرکسی آن را به خاطر خدا ترک کند و نه به خاطر دیگری، خداوند به او امنیت و ایمان عطا فرموده و طعم آن را می‌یابد» (حرعاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۱۹۲، ح ۲۵۳۹۹). روایت هشام از اطلاق برخوردار است و شامل زنان و مردان می‌شود.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: «هر کس نگاهش به زنی افتد سپس چشمش را به آسمان بالا ببرد یا آن را ببندد، هنوز چشم به هم نزده خداوند حورالعینی را به او تزویج می‌کند (همان: ص ۱۹۳، ح ۲۵۴۰۳). در این روایت مردان به پارسائی در نظر به زنان ترغیب شده‌اند.

محمدبن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

«خداوند روز قیامت با سه دسته سخن نمی‌گوید و ایشان را پاک نمی‌کند و بر ایشان عذاب دردناکی است ... و آن زنی که فراش و رختخواب شوهرش را در اختیار مرد دیگری قرار می‌دهد (همان: ص ۲۳۶، ح ۲۵۵۲۲). در روایت محمدبن مسلم پارسایی جنسی زنان تأکید شده است.

تعلیمات اسلامی پارسایی در نگاه را از عوامل مهم امنیت و توسعه‌ی ایمان تلقی می‌کند و از نتایج مهم آن در پیمان زناشویی، وفاداری و اعتمادسازی است.

پارسایی در نظر و فراش موجب می‌شود که یک زن عفیف در اعماق قلب شوهرش جای گیرد و یک مرد عفیف نیز متعهد همسرش می‌شود. زن برای اثبات وفاداری خود به همسرش و حتی با این نگرش که ممکن است همسرش از رفتارها و نگاه‌ها و حرف زدن‌های بی‌مورد او در برابر نامحرم ناراضی باشد خود را حفظ می‌کند و تمام تلاشش وقف عشق ورزیدن به همسر می‌شود. مرد نیز با این نگرش که در صورت حفظ نگاه و حریم خود به همسرش وفادار مانده، از امنیت عاطفی بهره‌مند می‌شود.

۲-۳-۱) حفظ حریم جنسی

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های زنان صالحه، حفظ حریم جنسی است. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»؛ «زنان شایسته، زنانی خاضع‌اند که در غیاب همسر، حقوق او را که خدا برای او قرار داده، حفظ می‌کنند» (نساء: ۳۴).

در آیه‌ی شریفه حفظ حریم خصوصی جنسی برای شوهر و نگهداری خویش از ورود دیگران در آن از مصادیق حفظ حدود الهی به شمار آمده است. حفاظت از حریم خصوصی جنسی که حفظ حدود الهی است از شاخصه‌های وفاداری و پایداری در پیمان زناشویی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارشی به امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ای علی! چهار چیز کمرشکن هستند... و زنی که شوهرش از او نگهداری می‌کند ولی او به شوهرش خیانت می‌کند (ابن‌بابویه ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۲۶۴، ح ۸۲۴؛ طبرسی ۱۳۶۵: ج ۲، ص ۳۹۷؛ حرعاملی ۱۴۲۴: ج ۱۲، ص ۱۳۱، ح ۱۵۸۵۴؛ مجلسی ۱۴۱۲: ج ۲۷، جزء ۷۴، ص ۳۶، ح ۳). در این آموزه عهد شکنی در پیمان زناشویی خیانت و کمر شکن تلقی شده است و نیز امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الخائن لا وفاء له»؛ «خیانتکار وفا ندارد» (رسولی محلاتی ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۲۶۳۸)؛ یعنی پیمان شکنی همان بی‌وفایی است. در جای دیگر می‌فرماید: «غایة الخيانة خيانة الخلل الودود و نقض العهود»؛ «نهایت خیانت آن است که انسان به دوست صمیمی خود خیانت کند و شکستن عهدهاست (همان: ص ۳۴۸، ح ۲۶۵۲).

یکی از مهم‌ترین مصادیق دوست برای انسان، همسر و شریک زندگی اوست. بین زن و شوهر در نهاد خانواده یک رفاقت و یک دوستی پایدار برقرار است که شارع مقدس اسلام نیز بر آن تأکید فراوان فرموده است.

زن در خانه و در غیاب شوهر باید حافظ حدود الهی باشد یعنی خود را از دید نامحرم و اجنبی محفوظ بدارد و با مردان ارتباط نامشروع نداشته

باشد، زیرا روابط نامشروع با غیر شوهر شکستن پیمان زناشویی و خیانت است.

در متون دینی، مرد نیز مکلف به حفظ حریم جنسی است؛ یعنی نمی‌تواند با زنان دیگر روابط نامشروع برقرار کند. علاوه بر آن اخبار رسیده از پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام تنوع طلبی جنسی مردان را نیز نکوهش می‌کند، از جمله روایتی از امام باقر علیهم‌السلام که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَبْغُضُ كُلَّ مُطَلِّقِ ذَوَّاقٍ»؛ «خداوند هر مردی را که بسیار طلاق دهد و طعم ازدواج‌های فراوان را بیچشد دشمن دارد» (کلینی ۱۴۱۳: ج ۶، ص ۵۸، ح ۴؛ حر عاملی ۱۴۲۴: ج ۲۲، ص ۷، ح ۲۷۸۷۶). بدین جهت باید اذعان کرد اسلام چندهمسری را هم محدود کرده است و هم مشروط (مطهری ۱۳۵۳: ۳۳۰).

۳-۳-۱) انجام وظایف همسری

التزام عملی هر یک از زن و شوهر به وظایف شرعی خود نشان دهنده وجود عنصر وفاداری در آنهاست. همسری که خویش را متعهد به وظایف خود و رعایت حقوق دیگری می‌کند وفاداری خود را اثبات کرده و در استحکام نهاد خانواده نقش آفرینی می‌کند.

۱-۳-۳-۱) وظایف زوج

الف - رعایت حسن معاشرت با همسر

از جمله آموزه‌های دینی در مناسبات زن و شوهر حسن معاشرت است.

قرآن کریم مردان را به حسن معاشرت با زنان خود فرا خوانده است «و عاشروهن بالمعروف» (نساء: ۱۹). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «خیرکم خیرکم لأهله و أنا خیرکم لأهلی»؛ «بهترین شما کسی است که بهترین برای همسر و فرزندان خویش باشد و من بهترین شما برای زن و فرزندان خود هستم» (طبرسی ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۴۱۳؛ حر عاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۱۷۱، ح ۲۵۳۳۷). امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: «مرد در اداری خانه و خانواده‌اش به سه خصلت نیاز دارد که باید آنها را به کار برد اگرچه این ویژگی‌ها در طبیعت (درون) او نباشد؛ خوشرفتاری، گشاده‌دستی سنجیده و غیرت برای ناموس‌داری» (مجلسی ۱۴۱۲: ج ۷۲، ص ۲۳۶، ح ۶۳). این روایات و سایر روایات نظیر آن خود معرف اصل قرآنی «عاشروهن بالمعروف» است. معاشرت به معروف از مؤلفه‌های مهم وفاداری و اعتماد آفرینی است.

ب - تهیه مسکن و خوراک و پوشاک

مسکن، خوراک و پوشاک همسر از مهم‌ترین مصادیق نفقه‌ی زن است. امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید: «نفقه شرعاً اندازه‌ای ندارد بلکه قاعده این است که به آنچه احتیاج دارد از قبیل غذا و خورش و پوشش و فرش و پرده و سکونت دادن و خادم داشتن و وسایلی که بر آشامیدن و پختن و... قیام نماید» (خمینی: ج ۲، ص ۲۸۱، مسئله ۸). صاحب جواهر مانند دیگر فقیهان در تعریف نفقه با ذکر مصادیق آن بهره می‌جوید و می‌نویسد: «مایحتاج زن از جمله غذا، البسه، مسکن، خادم و وسایل آشپزی که به طور

متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد» (نجفی ۱۳۹۴: ج ۳۱، ص ۳۳۰). بنابراین نفقه یک مفهوم عرفی است و شارع مقدس آن را به عرف و آگذاز کرده است، بدین جهت عنصر زمان و مکان در مصادیق آن نقش تعیین کننده‌ای دارد. کلمه‌ی معروف در بعضی تفاسیر به معنای امور متعارف تفسیر شده است چنان‌که برخی از مفسران در تفسیر آیه‌ی «علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف» (بقره: ۲۳۳) می‌نویسند «منظور از رزق و کسوه خرجی و لباس است و خدای عزوجل این خرجی را مقید به معروف کرده، یعنی متعارف از حال شوهر و همسر، همچنین مصالح زندگی و لوازم تربیت و از آن جمله خوراک، پوشاک و نفقه مساوی که (به بچه) شیر می‌دهد به عهده‌ی اوست» (طباطبایی: ج ۲، ص ۳۶۰). التزام زوج به انفاق زوجه از مؤلفه‌های مهم پایبندی به میثاق زوجیت است.

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام درباره‌ی حق زن بر شوهر سؤال کرده، حضرت فرمودند: «اینکه غذا و خوراک او را تأمین کند و سیر سازد و پوشاک و لباس او را تأمین کند و اگر خطایی کرد او را ببخشد (حرام‌ملی ۱۴۲۴: ج ۲۱، ص ۵۱۰، ح ۲۷۷۱۶). همچنین در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که می‌فرمایند: «هر کس برای تأمین هزینه‌ی خانواده و پدر و مادرش تلاش کند همانند مجاهد در راه خداست» (نوری طبرسی ۱۴۰۸: ج ۱۳، ص ۵۵، ح ۱۴۷۳۱). آموزه‌های اخلاقی و حقوقی که در روایات یاد شده آمده است در شناسایی نفقه به عنوان یک سازوکار برای استواری پیمان زناشویی و تضمین وفاداری

و توسعه اعتماد آفرینی حکایت دارد.

ج - پرهیز از آزار و ظلم به همسر

هنگامی که مرد با بهانه‌گیری یا به هر دلیل دیگری با کتک زدن و بدزبانی بخواهد همسرش را آزار دهد در حق همسرش ظلم بزرگی مرتکب شده و زمینه‌ی تنفر و کینه‌توزی او را فراهم آورده است. به نحوی که به فکر مقابله با شوهر می‌افتد و حتی با خیانت از او انتقام می‌گیرد، چراکه به همسرش بی‌اعتماد می‌شود و برای رهایی از او به هر وسیله‌ای تمسک جوید.

در تعالیم اسلامی برای حمایت از زنان در مقابل ظلم مردان کیفر اخروی پیش‌بینی شده است به تعبیر دیگر حمایت کیفری اخروی یکی از شیوه‌های حمایت از زنان مظلوم در تعالیم اسلامی است. روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده است که آن حضرت فرمودند: «هرکس به زنی آزار برساند تا آن زن (با بخشیدن مهریه‌اش) خود را رهایی بخشد، خدای متعال برای آن مرد به کیفری کمتر از آتش رضایت نداده است، چراکه خداوند برای زن همان‌گونه به خشم می‌آید که به خاطر یتیم به خشم می‌آید (حرعاملی ۱۴۲۴: ج ۲۲، ص ۲۸۲، ح ۲۸۵۹۷؛ مجلسی ۱۴۱۲: ج ۳۷، جزء ۱۰۱، ص ۳۶۵، ح ۶). تشبیه ظلم به زن به ظلم به یتیم در خشم الهی از موضع شدید شارح و قانون‌گذار الهی نسبت به ظالم حکایت دارد. در روایتی دیگر می‌فرمایند: «هر مردی که به زنش سیلی بزند، خداوند به مالک _ نگهبان دوزخ _ دستور می‌دهد در آتش جهنم هفتاد سیلی بر گونه‌ی او بزند» (نوری طبرسی ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۵۰،

ح ۱۶۶۱۹).

د- پارسایی ذهنی در روابط زناشویی

یکی از عناصر باطنی وفاداری، پارسایی ذهنی در روابط زناشویی است. مردی که زن بیگانه‌ای را زمان هم‌آغوشی در نظر می‌گیرد نه تنها دروغگوست بلکه وفای به عهد نیز ندارد، زیرا در عقد ازدواج وقتی بله را گفته پس فقط منظور همسر شرعی‌اش بوده است نه همسر ذهنی بیگانه‌ای. اسلام نیز این فکر را حرام دانسته، زیرا قسمتی از ادراکات شهوانی و احساس‌های لذت بخش از طرف مقابل دریافت و پرداخت نمی‌شود و زنای ذهنی صورت می‌گیرد (پاک نژاد ۱۳۶۷: ۱۱۱).

از جمله روایاتی که می‌توان در این باب ذکر کرد، خبر محمد بن علی بن الحسین از ابی سعید الخدری در وصیت پیامبر ﷺ به علی علیه السلام که پیامبر فرمودند: «یا علی با همسرت با شهوت زنی غیر او جماع نکن، زیرا من می‌ترسم اگر بین شما فرزندی پسر به وجود آید خودفروش و زن‌مآب یا دیوانه و ناقص‌العقل باشد» (حرعاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۲۵۲، ح ۲۵۵۵۹).

۲-۳-۱) وظایف زوجه

برخی از وظایف زوجه که در اعتمادسازی مؤثر می‌افتد به شرح ذیل است.

الف - حسن معاشرت و رفتار شایسته با شوهر

حسن سلوک و زیبایی در رفتار و معاشرت نیکو وظیفه‌ای است متقابل

که زوجین به صورت عام موظف به ایفای آن هستند، اما برای زن حسن معاشرت به صورت خاص است، زیرا زن نقش آفرین در ثبات، امنیت و سلامت جسم و روان و منشأ پویایی و حرکت اعضای خانواده است (میرخانی ۱۳۸۰: ۲۰۸).

اخلاق خوب بهترین پشتوانه‌ی زناشویی است. زن با خوش اخلاقی، عشق و محبت شوهر را جلب می‌کند تا اینکه همسرش به زندگی و خانواده علاقه‌مند شده و دلگرم می‌شود و با شوق و ذوق کار می‌کند و اسباب رفاه خانواده را فراهم می‌سازد. اگر زن خوش اخلاق باشد، مرد خارج از خانه را برای آرامش خود برنمی‌گزیند و زودتر به خانه می‌آید.

در تعالیم اسلامی روایات متعددی مبنی بر خوش رفتاری و خوش اخلاقی زن نسبت به همسرش مشاهده می‌شود، از آن جمله امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و اظهار داشت همسری دارم که هرگاه به خانه می‌روم به استقبالم می‌آید و هرگاه از منزل بیرون می‌روم مرا بدرقه می‌کند، وقتی مرا اندوهگین می‌بیند می‌گوید تو را چه چیز اندوهناک ساخته؟ اگر برای معیشت دنیا ناراحتی که دیگری عهده‌دار روزی توست و اگر برای آخرت ناراحتی خدا بر هم تو بیافزاید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای مرد، خدا در زمین کارگزارانی دارد و این بانو یکی از آنهاست و نیمی از پاداش شهید برای اوست (حرعاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۳۲، ح ۲۴۹۵۴). همچنین امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: «جهاد المرأة حسن التبعل»؛ «جهاد زن شوهرداری

نیکوی اوست» (ابن بابویه ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۲۷۸، ح ۱۳۱۹؛ کلینی ۱۴۱۳: ج ۵، ص ۵۰۶، ح ۴؛ حرعاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۱۶۳، ح ۲۵۳۱۴؛ طبرسی ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۴۱۱؛ ابن بایه ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۶۲۰؛ مجلسی ۱۴۱۲: ج ۳۷، جزء ۱۰۰، ص ۱۶۵، ح ۵۲).

ب - تمکین به حق استمتاع زوج

برخی معتقدند مراد از تمکین و حصول رضایت همسر صرف قرار دادن زن تحت اعمال غریزه‌ی جنسی مرد نیست بلکه این تمکین خشوع در مقابل حکم خداوند، عشق ورزیدن و پای‌بندی به قداست خانواده و ایجاد اعتماد و ارج نهادن به شخصیت خود و همسر و در نهایت محکم ساختن میثاق ازدواج و تعهد نسبت به پیمانی ملکوتی و انجام دادن رسالت در برابر هستی است. (میرخانی ۱۳۸۰: ۲۲۹). مع الوصف تمکین در ایفای حق استمتاع زوج از ناحیه زوجه نمود پیدا می‌کند. بهره‌مندی زوج از زوجه مراتبی دارد که از جمله‌ی آن عرضه‌ی مناسب زیبایی بدن به زوج است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: «مراد از خیرات حسان» که خداوند در قرآن کریم از آن خبر داده زنان اهل دنیا هستند و آنها از حورالعین هم زیباترند و هیچ اشکالی ندارد که مرد به بدن بدون لباس همسر نظر کند (حرعاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۲۲۱، ح ۲۵۱۹۴).

در روایتی دیگر از اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: «آیا لذت مرد غیر از این است؟» (همان: ص ۱۲۰، ح ۲۵۱۹۱). روایتی از ابی جمیله از ضریس الکناسی از امام صادق علیه السلام که ایشان فرمودند:

«زنی برای کاری خدمت پیامبر ﷺ آمد، حضرت فرمودند: «گویا تو از تسویف‌دهندگانی، پرسید تسویف‌دهنده کیست؟ فرمودند: «زنی که شوهر او را برای حاجتی صدا کند و او همچنان شوهر را سرگرداند تا وقت بگذرد و شوهر بخوابد، که چنین زنی را ملائکه لعنت کنند تا شوهر از خواب برآید» (طبرسی ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۴۱۵؛ حرعاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۱۶۴، ح ۲۵۳۱۷). بنابراین تمکین جنسی از ابزارهای ابراز وفاداری است.

ج - حفظ پاکدامنی در حضور و غیاب شوهر

عفاف در مباحث پیشین از عناصر وفاداری محسوب شده و آیات و روایات مربوطه نیز بیان شد.

د - ترک نکردن خانه بدون هماهنگی با شوهر

چنانچه زن بدون اذن شوهر از منزل خارج شود، همسرش نسبت به او بدگمان شده و این سوء ظن و بدگمانی یکی از پایه‌های سلب اعتماد است. چنین زنی نسبت به وظیفه‌ی اخلاقی خود بی‌اعتنا بوده و اعتماد شوهر را در معرض آسیب قرار داده است. آموزه‌های مندرج در روایات مبنی بر خارج نشدن از منزل بدون اذن شوهر را باید ارشاد به یک وظیفه‌ی اخلاقی در اعتمادسازی و تعمیق و توسعه‌ی آن تفسیر کرد.

ه - جلب رضایت همسر در بخشش از مال او

دو مورد اخیر در روایتی از امام باقر علیه السلام ذکر شده که محمدبن مسلم از

آن حضرت نقل می‌کند که فرمودند: «زنی به محضر رسول خدا ﷺ آمد و از حق زوج بر زوجه پرسید، پیامبر ﷺ فرمودند: اینکه زن اطاعت او را کند و با او به مخالفت و عصیان‌گری نپردازد، سپس فرمودند: زوجه از مال شوهر و خانه‌ی شوهر چیزی نبخشد مگر با مشورت و اجازه‌ی او، روزی مستحبی نگیرد مگر با رضایت او ... و از خانه‌ی او بدون اجازه‌ی همسر خارج نشود (طبرسی ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۴۰۸؛ حر عاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۱۵۸، ح ۲۵۳۰۰). هر یک از موارد یاد شده از اهمیت پای‌بندی به تحصیل حداکثر رضایت شوهر برای ارتقاء سطح اعتماد و استواری نهاد خانواده حکایت دارد.

و - رعایت بهداشت و آرایش ظاهری

نخستین رهنمونی که زمینه را برای ارضای نیازهای جنسی زوجین آماده می‌کند بهداشت و آرایش است، در روایات از یک سو آرایش زن برای غیر شوهر به شدت مذموم و ممنوع شناخته شده و از سوی دیگر آرایش وی برای شوهر تأکید شده است، زیرا زن میل طبیعی به خودآرایی دارد و این وظیفه درست در راستای این میل طبیعی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لتطیب المرأة المسلمة لزوجها»؛ «زن مسلمان باید خود را برای شوهرش خوشبو سازد» (ابن‌بابویه ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۶۲۱ ضمن حدیث أربعائة). از جمله مقاصد این آموزه حفظ زوج از جاذبه‌های جنسی دیگر زنان است آراستگی زن برای شوهر یکی از سازوکارهای ابراز وفاداری در پیمان زناشویی و از عناصر توسعه‌ی اعتماد در نهاد خانواده است.

وفاداری یکی از راه‌های ایجاد اعتماد و ارتقاء سطح آن است. رابطه‌ی زن و شوهر رابطه‌ی وفاداری، مهرورزی و محبت‌پذیری، گذشت و ایثار، سخاوت و احسان، مودّت و مروّت، صداقت و درستی و صفا و صمیمیت است.

انسانیت و شرافت اقتضا دارد که زن و شوهر تا آخر عمر به پیمان مقدس‌شان وفادار بمانند، رسم مردانگی این نباشد که مرد در موقع پیری و زوال شادابی همسرش او را تنها بگذارد و به فکر تجدید فراش یا عیاشی برآید، یا زمان رفاه اقتصادی به فکر ازدواج مجدد باشد در صورتی که همسرش در فقر و تنگدستی همراه او بوده است، یا زمان بیماری زنش به جای معالجه و پرستاری از او رهاش کند و به دنبال زن دیگری باشد. همچنین رسم وفاداری این نیست که زن در بیماری و سختی‌ها شوهرش را تنها بگذارد، آیین وفاداری و عواطف این‌گونه اقتضا دارد که در موقع حساس زن و مرد به داد یکدیگر برسند و از هم دلجویی و مراقبت کنند (امینی: ۳۸۵ و ۳۸۶).

۴) ساز و کار ابراز وفاداری پس از مرگ

در آداب و سنن اسلامی زن برای رعایت حرمت پیمان زناشویی و ابراز وفاداری خویشتن حتی پس از مرگ وی عده نگاه می‌دارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و الذین یتوفون منکم و یزرون ازواجاً یتربّصن بانفسهن اربعة اشهر و عشرأ فاذا بلغن اجلهن فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ بالمعروف

و الله بما تعملون خبير» (بقره: ۲۳۴)؛ لذا عده‌ی وفات را باید ساز و کار رعایت حرمت حریم نهاد نکاح و خانواده و ابراز وفاداری به شمار آورد. اسلام برای جلوگیری از هرگونه افراط و تفریط مدت مشخصی را برای آن تعیین کرده است که زن پس از آن می‌تواند مجدداً ازدواج کند. آزادی زن برای ازدواج مجدد مشروط به معروف شده است یعنی آن آزادی که در عرف پسندیده است و عقل و شرع نیز آن را تأیید کند (فخر رازی ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۴۶۸) بنابراین ازدواج بعد از عده را نباید بی‌وفایی زوجه به شمار آورد.

۵ ماهیت آموزه‌های مشتمل بر وفاداری

آیات و روایات متضمن ارزش وفاداری در پیمان زناشویی اغلب توصیه‌ای و اخلاقی هستند. مع الوصف برخی موارد آن چون نفقه از الزامات حقوقی نیز برخوردارند. شناسایی و بررسی رهیافت‌های اخلاقی قواعد حقوقی ما را به دریافت پیوند وثیق بین قواعد اخلاقی با قواعد حقوقی در حقوق خانواده رهنمون می‌شوند.

۳-۱) تعریف اعتماد و اعتمادآفرینی

اعتماد در لغت مصدر باب إفعال از ریشه‌ی اعتمد است، اعتمدت علیه یعنی بر وی تکیه کردم و اعتمدت علیه فی کذا یعنی به او فلان کار را سپردم و اعتماد کردم (صفی‌پور: ج ۳، و ۴، ص ۸۷۸). اعتمد علی الشیء یعنی سنگینی خود را به روی چیزی انداختن است. اعتماد اسمی است برای هرگونه

وسيله‌ای که گرد می‌آوری تا با اعتماد بر آن کارت را انجام دهی (ابن منظور ۱۳۸۸: ۳۰۳). اعتماد یک پدیده‌ی انسانی است که در سایه‌ی به کارگیری عناصر و مؤلفه‌هایی در احساس، گفتار، رفتار و عمل می‌توان به آن دست یافت.

۴-۱) اهمیت اعتماد در آیات و روایات

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه إن الله بالغ أمره قد جعل الله لكل شیء قدراً»؛ «و از جایی که تصور نمی‌کند به او روزی می‌رساند و نیازهای زندگی‌اش را بر طرف می‌کند و هرکس بر خدا توکل کند خدا برای تأمین سعادت او بس است، چراکه خدا کار خود را به انجام می‌رساند و خدا برای هر چیز اندازه‌ای قرار داده است» (طلاق: ۳). بنا بر آیه‌ی شریفه بندگان نخست باید به لطف حضرت حق امیدوار و مطمئن بوده و به او اعتماد کنند.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «حسن الظن من أفضل السجایا و أجزل العطايا»؛ «حسن ظن از بالاترین خصلت‌ها و پر پاداش‌ترین عطاهاست» (رسولی محلاتی ۱۳۸۶: ص ۶۵، ح ۵۹۰۱). با توجه به آیات قرآن و روایات و سخنان ائمه، حسن ظن و اعتماد یک فضیلت اخلاقی و از خصایص مردم درستکار و امین است. چون هر کس خود پاک باشد دیگران را نیز پاک می‌شمارد. انسان مؤمن از چنان خصلتی برخوردار است که هم به خداوند توکل و اعتماد دارد و هم به انسان‌ها حسن ظن دارد. حسن ظن و اعتماد از عوامل نشاط، لذت

و بهره‌مندی از حیات و زندگی فردی و اجتماعی و خانوادگی است. خانواده، به مفهوم گسترده‌ی آن، گروهی از اشخاص است که به دلیل ازدواج یا نسب با هم پیوند دارند و به معنای خاص و محدود آن، شامل زن و شوهر و فرزندان آنهاست، گروهی که هدایت و حمایت آنان با پدر است و همبستگی میان اعضای آن حقوق و تکالیفی به بار می‌آورد که در میان سایر خویشان وجود ندارد (کاتوزیان ۱۳۸۵: ص ۱۴). همبستگی اجتماعی درون خانواده معلول اعتماد متقابل اعضای آن نسبت به یکدیگر است.

چنان‌که قرآن پیوند ازدواج را میثاق غلیظ می‌نامد؛ «و أخذن منکم میثاقاً غلیظاً» (نساء: ۲۱). کلمه‌ی وثوق و ثقه به معنای اعتماد و اطمینان است و وثاقت یعنی محکم و موثقت یعنی معاهده‌ی محکم و استوار (میرخانی ۱۳۸۰: ص ۴۸). در زندگی خانوادگی اصل این است که زن و شوهر انگیزه‌ای پدید آورند که موجب تجدید جاذبه و خاطره شود و عشق و علاقه‌های نو به نو پدید آیند، قبل از هر چیز این ایمان و اخلاق است که عامل تضمین و تحکیم خانواده است (فائمی ۱۳۶۸: ۲۰۴). ایمان و اخلاق از عوامل معنوی اعتمادآفرین در مناسبات اجتماعی از جمله مناسبات خانوادگی است.

۲-۳ راهبردهای عاطفی، اخلاقی و اجتماعی توسعه‌ی اعتماد در نهاد خانواده

۲-۳-۱ پرورش محبت

محبت و جذابیت متقابل، صمیمیت، وفاداری، اعتماد و دوستی به هم

گره خورده عشق قوی‌تر و عمیق‌تری را پایه‌گذاری می‌کند، محبت بنای زندگی زوجین را استوار و روابط را ریشه‌دار می‌کند و در سایه‌ی دوستی‌ها احساس اطمینان بیشتر می‌شود. قرآن کریم عشق و محبت را این‌گونه بازگو می‌کند: «و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها و جعل بینکم مودةً و رحمةً إن فی ذلک لآیاتٍ لقوم یتفکرون»؛ (و یکی از آیات الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در برابر او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود، در این امر نیز برای مردم با فکر ادله‌ی علم و حکمت حق آشکار است) (روم: ۲۱).

مودت در لغت مصدر است از فعل وَدَّ و به سه معنا آورده شده؛ محبت و دوستی، به معنای کتاب و نام زنی می‌باشد (صفی پور: ج ۳-۴، ص ۱۳۰۵). ابن سیده قائل است وَدَّ الشَّيْءَ يَعْنِي أَحَبَّهُ (آن را دوست داشت) (ابن منظور ۱۳۸۸: ج ۳، ص ۴۵۳).

رحمت نیز مصدر فعل رَحِمَ است، اصل رحمت به دو معنا آورده شده؛ عطوفت و دلسوزی که مرحمت نیز به همین معناست و دیگری بخشش و آمرزش. در میان عرب‌ها اگر در مورد انسان به کار رود یعنی رَقَّتْ قلب و عطوفت و اگر در مورد خداوند به کار رود یعنی مهر و احسان و روزی دهی پروردگار (ابن منظور ۱۳۸۸: ج ۱۲، ص ۲۳۰ و ۲۳۱).

مفسرین در این باب توضیحاتی را ارائه داده‌اند که از جمله صاحب تفسیر المیزان قائل است کلمه‌ی «مودت» تقریباً به معنای محبتی است که

اثرش در مقام عمل ظاهر باشد، در نتیجه نسبت مودّت به محبت همانند نسبت خضوع است به خشوع، چون خضوع آن خشوعی را گویند که در مقام عمل اثرش هویدا شود بر خلاف خشوع که به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده‌ی عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید و «رحمت» به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده‌ی محرومیت محرومی که کمالی ندارد و محتاج به رفع نقص است در دل پدید می‌آید و صاحب دل را وادار می‌کند که او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند. یکی از موارد مودّت و رحمت جامعه‌ی کوچک خانواده است، زن و شوهر به فرزندان کوچکشان رحم می‌کنند چون آنها را ضعیف و عاجز می‌بینند، لذا مودّت و رحمت وادارشان می‌کند که از آنها حفظ و حراست کنند (طباطبائی: ج ۱۶، ص ۲۵۰). مؤلف تفسیر نمونه بین مودّت و رحمت تفاوت‌هایی قائل شده است، از جمله اینکه مودّت انگیزه‌ی ارتباط در آغاز کار است، اما در پایان کار که یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان گردد و قادر بر خدمتی نباشد رحمت جای آن را می‌گیرد، مودّت در مورد بزرگترهاست که می‌توانند نسبت به هم خدمت کنند، اما فرزندان کوچک در سایه‌ی رحمت پرورش می‌یابند و اینکه مودّت اغلب جنبه‌ی متقابل دارد، اما رحمت یک جانبه و ایثارگرانه است (مکارم شیرازی ۱۳۸۶: ج ۱۶، ص ۴۱۴). رحمت از جمله عناصر استحکام نهاد خانواده و توسعه‌ی اعتماد متقابل بین زن و شوهر است. از مؤلفه‌ی تأثیرگذار رحمت در اعتمادآفرینی می‌توان با عنوان اصل رحمت

یاد کرد.

۲-۳) ابراز عشق و محبت

در آموزه‌های دینی عشق و محبت زن و شوهر یک ودیعه‌ی الهی تلقی شده است؛ «جعل فیکم مودة و رحمة» (روم: ۲۱) ولی این محبت باید به صورت آشکار ابراز شود چراکه در صورت ابراز نکردن آن ممکن است حقیقت محبت از ناحیه‌ی دیگری دریافت نشده و در نتیجه روابط زن و شوهر آن‌گونه که بایسته است شکل نگیرد، لذا ابراز عشق تنها وظیفه‌ی یک طرف نیست بلکه طرفینی است. در آموزه‌های دینی بر ابراز عشق و محبت تأکید شده است چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «این سخن مرد به زن که «دوستت دارم» هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود» (کلینی ۱۴۱۳: ج ۵، ص ۵۶۷، ح ۵۹؛ حرعاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۲۳، ح ۲۴۹۳۰). پیامبر ﷺ در داستان حواء می‌فرماید: «ای حواء! حق مرد بر زن این است که در خانه‌اش بنشیند و به همسرش اظهار عشق و محبت کند و دلسوز او باشد» (نوری طبرسی ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۴۴، ح ۱۶۶۰۴). بنابراین ابراز محبت در آموزه‌های دینی از راهبردهای آفرینش و توسعه‌ی اعتماد است. از ابراز عشق و محبت در مناسبات زناشویی می‌توان به اصل مودت یاد کرد. مهم‌ترین عامل دوام و رشد خانواده روابط عاطفی و محبت بین اعضای آن است. رفتار و گفتار محبت‌آمیز همسران با یکدیگر موجب آرامش خانواده و سلامتی روح و روان فرزندان خواهد شد.

۳-۳-۲) راستگویی و صداقت

صداقت همچون پل ارتباطی مؤثر موجب جلب اعتماد میان زن و شوهر و باعث میل و رغبت بیشتر طرفین برای هم صحبتی با یکدیگر می‌شود، زیرا اطمینان قلبی می‌یابند که هیچ یک از آن دو به دیگری دروغ نمی‌گوید. بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری و اختلافات خانوادگی و مشاجرات میان همسران و دوستان و فامیل‌ها و حتی تنش‌ها و نزاع‌های سیاسی، ناشی از بی‌صداقتی و ناخالصی است (محدّثی ۱۳۷۹: ۳۱۷). دروغ‌گویی صنعتی است نكوهیده بسیار ناپسند و زیان‌آور که روح خیانت و ناپاکی را در انسان تقویت و آتش وجدان را در کانون دل خاموش می‌کند. آیات و روایات بسیاری در مدح راستگویی و صداقت وجود دارد؛ از جمله خداوند متعال در سوره احزاب می‌فرماید «یا أَيُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِیدًا»؛ (ای اهل ایمان متقی و خداترس باشید و همیشه به حق و صواب سخن بگویید) (احزاب: ۷۰). همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: «یکتسب الصادق بصدقه ثلاثاً: حسن الثقة به و المحبة له و المهابة عنه»؛ «راستگو به سبب راستگویی خود سه نعمت به دست می‌آورد؛ معتمد مردم می‌شود، او را به درستی و صمیمیت می‌پذیرند و بزرگی و عظمتش در دل‌ها جای می‌گیرد (رسول محلاتی ۱۳۸۶: ص ۶۴۲، ح ۵۱۲۶). صداقت جاذبه‌ی میان زوجین را نسبت به هم بیشتر می‌کند، هر قدر روابط فی مابین آنها بهتر، سالم‌تر و پر جاذبه‌تر باشد، زندگی شیرین‌تر و باصفا تر می‌شود و فرزندان پرنشاط و موفق‌تری تربیت می‌شوند.

برخی از نویسندگان درباره‌ی تفاوت تأثیر ابراز محبت زن و شوهر نسبت به یکدیگر نوشته‌اند: «قابل ذکر است که زن آن قدر معشوق‌آسا آفریده شده که اگر مرد به دروغ به او بگوید تو معشوق منی تو را دوست دارم هرچند بدانند که دروغ است تحت تأثیر قرار می‌گیرد، اما اگر مرد بفهمد زنش به او دروغ می‌گوید که دوستت دارم، به او بدگمان شده و از همسرش بیزاری می‌جوید، لذا کمال راستگویی زن نسبت به مرد به‌طور خاص می‌تواند تمکین باشد» (پاک نژاد ۱۳۶۷: ۱۰۱).

۴-۳-۲) خیرخواهی

تصور خیرخواهی و دلسوز بودن هر یک از زوجین اعتماد متقابل را به دنبال دارد، از این رو است که پیامبران هنگام دعوت و گفت‌وگو بر خیرخواهی و دلسوز بودن خود تأکید داشتند تا اعتماد مردم را به خود جلب کنند و مردم به دعوت آنها لبیک بگویند. در قرآن کریم آمده است: «ابلاغکم رسالات ربی و أنا لکم ناصح امین» (اعراف: ۶۸) خداوند می‌فرماید: «هود در جواب قوم خود که او را بی‌خرد و دروغگو خواندند، گفت: ای قوم من هیچ‌گونه بی‌خردی در من نیست، بلکه من پیامبری از جانب پروردگار جهان‌ها هستم (پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و من - بر خلاف پندارتان - برای شما خیرخواهی امینم)».

۵-۳-۲) پرهیز از خودمحوری

غرور و خودبرتربینی و بی توجهی به طرف مقابل و کم توجهی به نیازهای او باعث سلب اعتماد می شود، در قرآن کریم آمده است؛ «و إذا قیل له اتق الله أخذته العزة بالاثم فحسبه جهنم و لبئس المهاد» (بقره: ۲۵۶)؛ «و چون به او گفته شود از خدا بترس و از تبهکاری دوری گزین، عزت و شکوه خیالی ای که با گناه و نفاق به آن دست یافته است او را فرا می گیرد - و پند نمی گیرد- دوزخ او را بس است و به راستی که آن بد جایگاهی است». و بدین گونه خداوند تکبر و غرور را مذمت می کند و هشدار می دهد که جایگاه چنین افرادی دوزخ است، تکبر باعث می شود فرد جز خود کسی را نبیند و تنها منافع خود را بسنجد، اگر چنین صفتی در هر یک از زوجین باشد علاقه و محبتشان نسبت به هم کم می شود و از اعتماد کردن به یکدیگر پرهیز می کنند، چرا که خود را دلسوز هم ندیده و یکدیگر را درک نمی کنند.

۶-۳-۲) تبیین روشنگرانه رفتار

یکی از راهبردهای دیگر اعتمادآفرینی این است که زوجین هدف خویش را از انجام دادن اعمالشان با کلمات صمیمی بیان کنند، تا بتوانند با این روش راه را بر هرگونه پیش داوری و گمان ببندند و به همین خاطر است که پیامبران الهی در گام نخست به معرفی خود و اهدافشان می پرداختند. قرآن کریم می فرماید: «إذ قال لهم أخوهم نوح ألا تتقون. إني لکم رسول أمين فاتقوا الله و أطيعون. وما أسئلكم علیه من أجرٍ إن أجرٍ إلا علی ربِّ العالمین»؛

«آن گاه که برادرشان نوح به آنها گفت، آیا از عذاب الهی پروا نمی‌کنید؟ من برای هدایت شما فرستاده شده‌ام و در ابلاغ پیام خدا امین و درستکارم پس از خدا بترسید و مرا فرمان برید من از شما هیچ مزدی بر ابلاغ رسالت خود نمی‌خواهم، مزد من جز برعهده‌ی پروردگار جهان‌ها نیست» (شعرا: ۱۰۹-۱۰۶). زن برای شوهر نماد امین بودن در امور درونی خانه و مرد نماد امین بودن برای زن در اسرار و تأمین مصالح زندگی اوست. سلوک زندگی زن و شوهر اثبات‌کننده‌ی سطح امانت‌پذیری هر یک خواهد بود ضرورت تنظیم مناسبات زن و شوهر بر پایه‌ی امانت‌پذیری، معرّف جایگاه اصل امانت در نهاد خانواده است. لذا عمل، رفتار و گفتار امین بر صحت توجیه و تفسیر می‌شود.

۷-۳-۲) همفکری و مشورت

در صورت بروز برخی اختلافات در نهاد خانواده، و ادامه‌ی آنها پایه‌های مهر و محبت فرو خواهد ریخت. از این رو قرآن اصول و راه‌های دیگری برای حل این اختلافات و جلوگیری از تلاشی خانواده‌ها طرح کرده است یکی از این راه‌ها همفکری و مشورت در مسائل خانوادگی است. اگر زوجین در مسائل خود با یکدیگر مشورت کنند و آن را با موفقیت پشت سر گذاشته و احساس کنند یکی بدون مشورت دیگری کاری انجام نمی‌دهد، به افکار هم اعتماد می‌کنند و چنانچه در حل آن ناموفق بودند بازهم با کمک هم سعی در حل مشکلات می‌کنند. لذا یکی از اصول مهم

حاکم بر مناسبات خانوادگی اصل مشورت است. مشورت از ساز و کارهای اعتمادسازی در نهاد خانواده به‌شمار می‌آید. قرآن کریم به عنوان نمونه مسئله‌ی تغذیه‌ی کودک شیرخوار توسط مادر یا سپردن به دایه را مطرح کرده و راه حل صحیح را در مشورت پدر و مادر دانسته است. «إن ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما و ان اردتم أن تسترضعوا اولادکم فلا جناح علیکم اذا سلّمتم ما آتیتم بالمعروف» (بقره: ۲۳۳) قرآن علاوه بر تشاور در آیه‌ی ۶ سوره‌ی طلاق با تعبیر «ائتمار» به رعایت اصل مشورت تأکید فرموده است.

۸-۳-۲) رازداری

در آموزه‌های دینی زن و شوهر لباس یکدیگرند یعنی عیوب و اسرار همدیگر را می‌پوشانند؛ «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» (بقره: ۱۸۷). لباس بودن هر یک به استواری خانواده می‌انجامد. اسرار و عیوب هر یک از زن و شوهر به وسیله‌ی دیگری مستور می‌ماند یعنی هر یک رازدار دیگری است. رازداری یکی از نشانه‌های خرد و امانت داری است، امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «صدرالعاقل صندوق سرّه»؛ «سینه‌ی خردمند صندوق راز اوست» (شریف‌الرضی ۱۳۸۶: حکمت ۶، ص ۴۴۵) و این حکمت از بیانات امام ارزش رازداری را نشان می‌دهد. در آموزه‌های دینی از روی آورد پنهان سازی عیوب و اسرار از ناحیه‌ی زن و شوهر می‌توان به اصل ستر یاد کرد.

۹-۳-۲) تمهید رضایت‌مندی و آرامش‌بخشی

اولین و برترین معیار و نشانه‌ی سعادت‌مندی زن و شوهر احساس آرامش و رضایت‌مندی است. خانه‌ای که آرامشگاه است مناسب‌ترین سکوی اعتلای وجود است و همسری که آرامش‌بخش است، مطلوب‌ترین همدل و بهترین معتمد است. این آرامش زمانی ایجاد می‌شود که ارتباط متقابل همسران بر پایه‌ی محبت و مهربانی و گذشت استوار باشد. قرآن کریم در زمینه‌ی سکونت می‌فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها...» (روم: ۲۱).

خداوند درآیه‌ی شریفه زنان را مایه‌ی آرامش دانسته است. از مؤلفه‌ی مایه آرامش یکدیگر بودن می‌توان به اصل امنیت و سکونت یاد کرد.

۱۰-۳-۲) گوش دادن به سخنان برای تعمیق ارتباط

یکی از راهبردهای موفقیت‌نهی اکرم در ایجاد ارتباط با مردم اُذن بودن آن حضرت بوده است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «ومنهم الذین یوذون النبی ویقولون هواذن قل اذن خیرمنکم یومن بالله» (توبه: ۶۱) در مناسبات خانوادگی نیز هنگامی که مرد به سخنان همسر خود خوب گوش می‌دهد به این معناست که برای او و حرف‌هایش ارزش قائل است و به او اهمیت می‌دهد. همسر نیز با حرف زدن با شما آرامش می‌یابد، اعتماد پیدا می‌کند و هر سخنی که داشته باشد در میان می‌گذارد، لذا خوب گوش کردن سخنان همسر از جمله هنرهای درک‌بخشی از خویشان به اوست و در حقیقت نوعی

اعتمادبخشی به شمار می‌آید.

۱۱-۳-۲) پرهیز از مخفی کاری

بسیاری از زنان و شوهران بدان خاطر با هم درگیر می‌شوند که اسرار و مسائل خود را از هم مخفی نگه می‌دارند یا مخفی کاری‌هایی می‌کنند که مرضی طرف مقابل نیست؛ برای مثال آمد و شد خود و معاشرت‌هایشان با دیگران و ... را مخفی می‌کنند. نباید فراموش کرد اسرار به خصوص آنچه مربوط به زندگی خانوادگی است روزی برملا خواهد شد که موجب رسوایی و بدگمانی و سوءظن می‌شود و بدگمانی نیز بی‌اعتمادی هر یک از زوجین را نسبت به کسی که مخفی کاری کرده به دنبال دارد (قائمی ۱۳۶۶: ۴۳).

۱۲-۳-۲) رعایت آداب در گفتار و رفتار و احترام متقابل به یکدیگر

حُبّ ذات و علاقه به احترام یک امر غریزی است، لیکن همه کس حاضر نیست احساس درونی همسر را اشباع کند و به وی احترام بگذارد. اگر زن به شوهر احترام بگذارد او هم در مقابل به وی احترام گذاشته و رشته‌ی محبت در میانشان استوارتر و پیمانشان بادوام تر خواهد شد (امینی: ۲۰). احترام می‌تواند گفتاری و رفتاری باشد. احترام گفتاری مانند کلمات آقا، خانم و ... و احترام رفتاری مانند کمک به هم کردن در امور زندگی. زن و شوهر با احترام به یکدیگر می‌توانند ضمن ابراز وفاداری، اعتماد طرف دیگر را جلب کنند، زیرا با احترام متقابل محبت و علاقه‌ی بین زوجین بیشتر می‌شود و با ایجاد

محبت اعتماد توسعه می‌یابد. احترام متقابل زن و شوهر مبتنی بر شناسایی این آموزه‌ی وحیانی است که انسان شایسته‌ی تکریم است؛ «و لقد کرمنا بنی آدم...» (اسراء: ۷۰). زن و شوهر در تنظیم مناسبات خویش باید کرامت خود و دیگری را حفظ کنند. کرامت انسانی در عمل با اجرای عدالت و دیگر اصول حفظ می‌شود. رعایت آداب در گفتار و رفتار و احترام متقابل در قالب شناسایی اصل کرامت متصور است.

۱۲) خود نگهداری و مدارا

خانواده‌ای که عنصر مدارا و ملایمت را ندارد پایدار نمی‌ماند، مرد با اندک بداخلاقی زن در خانواده عصبانی شده و تصمیم به طلاق زن می‌گیرد. زن نیز با بداخلاقی‌های شوهر درخواست جدایی می‌کند. روایات بسیاری مبنی بر ملایمت و مدارا و صبر و بردباری زوجین نسبت به هم وجود دارد؛ از جمله آنها روایتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «هر گاه خداوند خانواده‌ای را دوست بدارد مدارا و ملایمت را وارد آن خانواده می‌کند» (محمدی ری شهری ۱۳۸۷: ص ۲۱۹، ح ۳۱۱). امام علی علیه السلام نیز می‌فرمایند: «سلامة العیش فی المداراة»؛ «سلامت زندگی در مدارا کردن است» (رسولی محلاتی ۱۳۸۶: ص ۳۵۹، ح ۲۷۴۳).

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس بر بداخلاقی شوهرش صبر کند خداوند همانند پاداش آسیه، دختر مزاحم (همسر فرعون) به او عطا می‌فرماید» (طبرسی ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۴۰۸؛ مجلسی ۱۴۱۲: ج ۳۷، جزء ۱۰۰، ص ۱۶۲،

ح ۳۰.

امام علی علیه السلام نیز فرمودند: «آگاه باشید که هرکس بر اخلاقِ زنِ بداخلاق صبر کند و مزد این کار را از خدا بخواهد، خداوند ثواب سپاسگزاران را به او عطا می‌کند» (حرعاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۱۷۴، ح ۲۵۳۴۸؛ مجلسی ۱۴۱۲: ج ۳۷، جزء ۱۰۰، ص ۱۶۰، ح ۱۶). زمانی که زن یا شوهری با بداخلاقی خود موجب آزار طرف مقابل می‌شود و دیگری نیز در قبال این عملکرد صبر و مدارا می‌کند، خودِ شخص پی به اشتباهش می‌برد و ضمن بازخوانی رفتار خویش به بازسازی خود و تعمیق علاقه‌ی خود به همسرش می‌پردازد، چراکه در مقابل تمام رفتارهای او همسرش نه تنها مقابله به مثل نکرده بلکه تحمل و بردباری نیز داشته است. از تحمل و بردباری متقابل در زندگی مشترک می‌توان با عنوان اصل مدارا یاد کرد.

۱۴-۳-۲) خوش بینی (مثبت اندیشی)

یکی از عواملی که به ارتقاء کیفیت زندگی خانوادگی کمک می‌کند حس «خوش بینی» است. خوش بینی از مؤلفه‌های شکل دهنده‌ی اعتماد به دیگران است، برای کسی که در میدان زندگی قرار دارد خوش بینی اطمینان‌بخش و اعتمادآفرین است و هیچ چیز به اندازه‌ی حُسن ظن از رنج انبوه مشکلات نمی‌کاهد، لذا یکی از آسیب‌های اعتماد بدبینی است. حتی در ازدواج‌هایی که زن و شوهر هر دو حُسن ظن دارند و می‌خواهند یاور هم باشند، ارتباط نادرست و ذهن‌خوانی‌های اشتباه می‌تواند حُسن نیت را از میان برده و زن و

شوهر را نسبت به یکدیگر بدبین کند، در این موقع فرد باید تلقی مثبتی از رفتار دیگری داشته باشد تا بتواند دلایل توجیه‌کننده‌ای برای رفتارهای به ظاهر ناپسند او ارائه دهد و از بدبینی خلاصی یابد. در این باب امام علی علیه السلام ثمرات خوش‌بینی را این‌گونه بازگو می‌کنند: «حسن الظنّ راحة القلب و علامة الدین»؛ «خوش‌بینی سبب راحتی دل و سلامتی دین است» (رسولی محلاتی ۱۳۸۶: ص ۶۵، ح ۵۸۹۸). و در جای دیگر می‌فرمایند: «حسن الظنّ يخفف الهمّ و ينجي من تقلد الإثم»؛ «خوش‌بینی بار گران غم و اندوه را سبک می‌کند و انسان را از گریبان گناه نجات می‌دهد (همان: ح ۵۸۹۹)؛ لذا خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی از عوامل آرامش باطنی و نشانه‌ی دینداری است. بدیهی است انسان خوش‌بین از نگرانی‌ها رهایی می‌یابد لذا خوش‌بینی از موانع گناه و ارتکاب به جرایم و یک روش مطلوب در پیشگیری از فروپاشی خانواده است.

۱۵-۳-۲) پرهیز از مطلق‌اندیشی

بهرتر است زن و شوهر در زمینه‌ی اعتماد و اطمینان به جای مطلق‌اندیشی به نسبی دیدن بپردازند. فرد به جای اینکه همسرش را دروغگو خطاب کند یا او را امین و معتمد نداند می‌تواند درباره‌ی موضوع خاص با همسرش صحبت کند. مطلق دیدن از عوامل پیدایش بی‌اعتمادی است؛ برای شوهری که در یک مورد به خصوص از همسرش بی‌اعتمادی دیده ممکن است به این نتیجه برسد که هرگز نمی‌تواند به او اعتماد کند. این نوع نگرش که

مطلق‌اندیشی بوده و به فروپاشی اعتماد می‌انجامد، دشواری و حرج را بر زندگی تحمیل می‌کند.

۱۶-۳-۲) تلاش برای شکل‌دهی روابط آمیزشی موفق

یکی از عوامل ایجاد اعتماد در روابط زوجین برقراری روابط زناشویی موفق است که دل به هم دادن و انس و الفت و وحدت و یک‌دلی را به همراه دارد و باعث آرامش طرفین می‌شود. اگر زن و شوهر همه‌ی احساسات مثبت جنسی همسر خود را در آمیزش درک کند و از آن لذت ببرد به او اعتماد پیدا کرده و در نتیجه نهاد خانواده استوار باقی می‌ماند.

۱۷-۳-۲) سپاسگزاری در قبال خدمات

وقتی زن خدمات شوهر نسبت به خود را وظیفه‌ی حتمی و بدیهی او می‌شمارد، عجیب نیست که شوهر نیز از خدمت و محبت کردن به زنش منصرف نشود. سپاسگزاری مهر و محبت‌ها را بیشتر می‌کند، چنانچه آمده است: «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق». با فزونی محبت پایه‌های زندگی محکم شده، اطمینان و علاقه زیاد می‌شود. عشق ورزیدن و فداکاری برای یکدیگر در خانواده و دریافت پیام سپاسگزاری از طرف مقابل موجب استحکام نهاد خانواده می‌شود.

۱۸-۳-۲) رهایی هرگونه رابطه عاطفی دیگر

چنانچه زن و شوهری قبل از ازدواج به هر دلیلی درگیر رابطه‌ی احساسی

و عاطفی با شخص دیگری غیر از همسر خویش شده باشند، رهایی از آن کار دشواری خواهد بود چراکه احساسات آن دو به هم گره خورده و یک رابطه‌ی عاطفی در وجودشان ریشه کرده است که جدایی بین آنها را دشوار می‌کند و ممکن است این ارتباط حتی بعد از ازدواج فرد با همسرش ادامه یابد و هنگامی که یکی از آن دو از گذشته‌ی همسرش اگرچه تا آن زمان هم ادامه نیافته باشد مطلع گردد نسبت به او بی‌اعتماد شده و هر آینه ممکن است تصور کند که شریک زندگی‌اش هنوز در جریان آن روابط است و عشق و محبتش را نثار دیگری می‌کند؛ لذا اخلاص در محبت و عشق نسبت به همسر و رهایی از هرگونه همبستگی عاطفی دیگر از رموز وفاداری و از عناصر استواری و پایداری نهاد خانواده است.

۱۹-۳-۲) دوشیزه بودن دختر و شرافت و مردانگی در پسر قبل از

ازدواج

هنگامی که زنی تن به ازدواج می‌دهد و خود را برای یک مرحله‌ی جدید از زندگی آماده می‌کند همسرش را شریف‌ترین مرد دنیا می‌پندارد، حال چنانچه مردی قبل از ازدواج دچار لغزشی شده و مردانگی و شرافتش را زیر پا گذاشته و گستاخانه خود را آلوده به روابط نامشروع با زنان و مردان ناپاک کرده باشد، زن با اطلاع از این امور نسبت به شوهر احساس انزجار می‌کند و ممکن است از تمکین او سرباز زند، چون نمی‌تواند لحظه‌ای به او اعتماد کند و دچار تردید می‌شود که آیا هنوز شوهرش گرفتار چنین رفتارهای ناشایستی

هست یا خیر؟! همین‌گونه است زمانی که مردی دختری را به ازدواج در می‌آورد به این امید که بتواند از حق استمتاع خود بهره جسته و به اوج لذت جنسی برسد، اما ناباورانه متوجه می‌شود که همسرش قبل از ازدواج نتوانسته بر هوای نفس خود غلبه کند و تن به روابط نامشروع داده است، بنابراین دیگر نمی‌تواند به او اطمینان کرده و همیشه نسبت به او مشکوک است و گمان می‌کند وقتی همسرش قبل از ازدواج چنین عمل زشتی را مرتکب شده، پس بعید نیست در حال حاضر هم به روابط نامشروع ادامه دهد. بنابراین توبه از گناهان گذشته و استغفار از درگاه خداوند و وفاداری به شوهر در روابط زناشویی از جمله عوامل مؤثر در بازسازی وضعیت پیشین و ساختن زندگی بر پایه‌ی پارسایی و پاکیزگی و اعتمادآفرینی در زندگی است.

۲۰-۳-۲) تعاون و همکاری

زن و شوهر معاون و همراه یکدیگرند. هرکدام از آنها در سایه‌ی محبت و صمیمیت باید در مشکلات و سختی‌ها به یاری هم بشتابند و از امکانات و توانایی خود برای یاری رساندن به دیگری دریغ نورزند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «امیرمؤمنان _ که درود خداوند بر او باد _ هیزم و آب می‌آورد و جارو می‌کرد و فاطمه علیها السلام آرد می‌ساخت و خمیر می‌کرد و نان می‌پخت» (ابن بابویه ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۱۰۴، ح ۴۲۷؛ کلینی ۱۴۱۳: ج ۵، ص ۸۸، ح ۱؛ حرعاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۲۲۲، ح ۲۵۴۷۵؛ مجلسی ۱۴۱۲: ج ۱۴، جزء ۴۳، ص ۲۹۷، ح ۷)؛ لذا زوجین باید در امور خانواده با یکدیگر معاضدت کنند. مراد از معاضدت در خانواده

نیز تعاون در اموری است که به پویایی و نشاط محیط خانواده می‌انجامد و زندگی را از طراوت و شادابی برخوردار می‌کند؛ لذا تعاون زن و شوهر از مصادیق تعاون بر بر به شمار می‌آید؛ «و تعاونوا علی البر و التقوی» (مائده: ۲). از مؤلفه‌ی معاضدت زن و شوهر در اعتمادآفرینی می‌توان به اصل تعاون یاد کرد.

۲۱-۳-۲) تولید نسل

داشتن فرزند به زندگی زن و شوهر طراوت و شادابی می‌بخشد و جنبه‌های زیبایی زندگی را در دیدگان آنها قوی‌تر می‌کند. تولد فرزند موجب پدید آمدن احساسات متقابل و مهر و محبت و شادمانی برای زوجین می‌شود به نحوی که آنها تمام تلاش و کوشش خود را برای زندگی بهتر و آسایش فرزند انجام می‌دهند. گویی نقطه‌ی اتصال و عشق زن و شوهر به یکدیگر، فرزندشان می‌شود و خواه ناخواه درون خود احساس اطمینان قلبی نسبت به هم و به زندگی پیدا می‌کنند. از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت فرمودند: «تناکحوا تناسلوا...». تولید نسل یکی از مصالح نکاح به شمار آمده و به استحکام نهاد خانواده کمک می‌کند.

۲۲-۳-۲) پرهیز از مقایسه همسر با دیگران

زن و شوهر نباید همسر خویش را با دیگران مقایسه کرده و تصور کنند که عیب همسرشان در آن شخص نیست و آن فرد انسانی بی‌عیب و نقص

است. مطابق وجدان اخلاقی در مواقع ضروری باید همسر را با خودش و با گذشته‌اش مقایسه کرده و از پیشرفت‌های دینی، اخلاقی و علمی‌اش تقدیر کرده، به نحوی که این روی‌آورد موجب افزایش اعتماد به نفس طرف مقابل و درک او و در نتیجه افزایش محبت و اعتماد وی شود.

مبحث چهارم: راهبردهای تقنینی، قضایی و فرهنگی در توسعه‌ی اعتمادسازی

علاوه بر راهبردهای عاطفی، اخلاقی و اجتماعی که اجرای آنها با زوجین است می‌توان به راهبردهای تقنینی، قضایی و فرهنگی نیز اشاره کرد.

- ۱- قانون‌گذار در قانون حمایت از خانواده باید با رویکرد به آموزه‌های اخلاقی مؤلفه‌های مؤثر در اعتمادسازی را در قانون پیش‌بینی کند، چنان‌که قانون‌گذار قانون مدنی حسن معاشرت را در قانون مدنی گنجانده است.
- ۲- آئین دادرسی اختصاصی خانواده اقتضاء می‌کند که با پیش‌بینی نهادهای مشاوره‌ای و داوری در نظام دادرسی دعاوی خانوادگی سازوکارهای توسعه‌ی اعتماد چون مثبت‌اندیشی، حسن ظن، نمایاندن ابعاد مثبت شخصیت هر یک برای دیگری از ناحیه‌ی نهاد مذکور از انحلال نهاد خانواده پیشگیری شود.
- ۳- با توجه به اصالت خانواده در تعالیم اجتماعی اسلام، در ترسیم سیاست‌های کلی نظام به تربیت انسان‌های وفادار در نهاد خانواده توجه شده و مؤلفه‌ی وفاداری به عنوان یکی از ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی و اجتماعی و خانوادگی در متون درسی منظور شود. همچنین در فیلمنامه‌ها و

رمان‌ها و داستان‌هایی که در آفرینش و اخلاق و ادبیات خانوادگی مؤثرند به وفاداری و نقش آن در توسعه‌ی اعتماد توجه جدی شود.

نتیجه‌گیری

۱- وفاداری به معنای التزام و پایداری در پیمان زناشویی و داشتن تعهد اخلاقی بدین‌گونه که زن و شوهر در هر شرایطی به رغم همه‌ی مشکلات یکدیگر را تنها نگذارند و همچنین به معنای خیانت نکردن به همبستگی عاطفی و جنسی است.

۲- در آیات و روایات به وفاداری تأکید فراوان شده است. عناصر شکل دهنده‌ی وفاداری بدین شرح‌اند: حفظ عفاف و خویش‌داری، خیانت نکردن هریک از زوجین به یکدیگر، تنوع‌طلب نبودن هر یک از زن و شوهر در مسائل جنسی، عمل به وظایف ضروری و متقابل.

۳- آموزه‌های دینی مشتمل بر سازوکارهای وفاداری اغلب اخلاقی‌اند، مع‌الوصف برخی از آنها چهره‌ی حقوقی به خود گرفته و از حمایت‌های حقوقی بهره می‌برند.

۴- بین وفاداری و اعتماد پیوند وثیقی وجود دارد، بدین شکل که یکی از راه‌های ایجاد و حفظ اعتماد وفاداری است. رابطه‌ی زن و شوهر رابطه‌ی عهد و وفا، مهرورزی و محبت‌پذیری، مودت و مروت، صداقت و صمیمیت است. چنانچه رابطه‌ی زوجین چنین معیارهایی داشته باشد، اعتماد و اطمینان شگرفی میان طرفین ایجاد می‌شود. اگر زن و شوهر احساس کنند

که همسرشان به ایشان وفادار است، این خود عامل تعمیق محبت است و محبت نیز یکی از عناصر اعتمادآفرینی است.

۵- از جمله راهبردهای توسعه‌ی اعتمادآفرینی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: محبت و دوست داشتن یکدیگر، ابراز عشق و محبت، راستگویی و صداقت، خیرخواهی، پرهیز از خودمحوری، تبیین عملکرد هر یک از زن و شوهر در انجام دادن امور برای یکدیگر، رازداری، هنر خوب گوش دادن سخنان همسر، خودنگهداری و مدارا، پرهیز از مطلق‌اندیشی، التزام عملی به وظایف اخلاقی و حقوقی، سپاسگزاری در قبال خدمات یکدیگر، تولید نسل و پرهیز از مقایسه‌ی همسر با دیگران.

۶- خصایص و رفتارهایی چون مخفی کاری، سوءظن و بدبینی، ایجاد رابطه‌ی عاطفی با نامحرم، نبود تعاون و همکاری، نبود همفکری و همگامی، نبود احترام متقابل به یکدیگر و نبود انگیزه برای برقراری روابط زناشویی موفق، از جمله عوامل زیان‌بار و از آسیب‌های وفاداری و اعتمادسازی است.

۷- اعتماد، دربردارنده‌ی آثار فراوانی است که آرامش درونی زوجین، انس و الفت میان آنها و تربیت صحیح فرزندان از جمله برکات آن به شمار می‌آید.

منابع

- ◀ قرآن کریم
- ◀ ابن بابویه قمی، محمدبن علی (شیخ صدوق) ۱۳۹۰. من لا یحضره الفقیه، تحقیق حسن موسوی، تهران، دارالکتب الاسلامی.
- ◀ _____ ۱۴۰۳ق. الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه.
- ◀ ابن منظور، جمال الدین محمدبن مکرم ۱۳۸۸ق. لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- ◀ راغب اصفهانی، راغب. المفردات فی غریب القرآن، تهران، المکتبه المرتضویه.
- ◀ امینی، ابراهیم. آیین همسررداری یا اخلاق خانواده، تهران، اسلامی.
- ◀ پاک نژاد، رضا ۱۳۶۷. روش شوهررداری در اسلام.
- ◀ حرعاملی، محمدبن حسن ۱۴۲۴ق. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، موسسه آل البيت لإحياء التراث.
- ◀ خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، اسلامی.
- ◀ دهخدا، علی اکبر ۱۳۳۸، لغت نامه، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ◀ رسولی محلاتی، هاشم ۱۳۸۶. غررالحکم و درر الکلم آمدی، تهران، فرهنگ اسلامی.
- ◀ زبیدی ۱۳۸۶. تاج العروس، کویت، مطبعة حکومت الكويت.
- ◀ شریف الرضی، محمدبن حسین ۱۳۸۴. نهج البلاغه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

- ک صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم. *منتهی الإرب فی لغة العرب*، سنائی.
- ک طباطبائی، محمد حسین. *المیزان*، ترجمه‌ی محمدباقر موسوی همدانی، قم، اسلامی.
- ک طبرسی، ابی نصر الحسن بن الفضل ۱۳۶۵. *مکارم الاخلاق*، ترجمه‌ی ابراهیم میرباقری، فراهانی.
- ک غیاث الدین رامپوری ۱۲۷۷ق. *محمدین جلال الدین، غیاث اللغات*، بی جا، چاپ سنگی.
- ک فخر رازی، محمد بن عمر ۱۴۰۸ق. *مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- ک قائمی، علی ۱۳۶۶. *خانواده و مسائل همسران جوان*، امیری.
- ک _____ ۱۳۶۸. *نظام حیات خانواده در اسلام*، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- ک کاتوزیان، ناصر ۱۳۸۵. *دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی: خانواده*، تهران، میزان.
- ک کلینی، محمد بن یعقوب ۱۴۱۳ق. *الکافی*، تحقیق محمدجواد الفقیه، تصحیح یوسف البقاعی، بیروت، دارالاضواء.
- ک مجلسی، محمدباقر ۱۴۱۲ق. *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، لدار احیاء التراث العربی.
- ک محدثی، جواد ۱۳۷۹. *اخلاق معاشرت*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ک محقق داماد، مصطفی ۱۳۷۳. *قواعد فقه*، تهران، سمت.
- ک محمدی ری شهری، محمد ۱۳۸۷. *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، با

- همکاری عباس پسندیده، ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث (نشر مشعر).
- ◀ مطهری، مرتضی ۱۳۵۳. نظام حقوق زن در اسلام، تهران، فرهنگ اسلامی.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر ۱۳۸۶. تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامی.
- ◀ ملک محمودی لیگودرزی، امیر ۱۳۸۶. راهنمای خانواده: راز شاد زیستن و خوشبختی در کانون گرم خانواده، قم، مشهور.
- ◀ المنجد، ۱۳۶۴. مطبوعه کاتولیکی، تهران، کتابفروشی اسماعیلیان.
- ◀ مولوی، مولانا جلال الدین محمد بلخی ۱۳۸۶، دیوان کلیات شمس تبریزی، تهران، اقبال.
- ◀ میرخان، عزت السادات ۱۳۸۰، رویکرد نوین در روابط خانواده، تهران، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده.
- ◀ میرزای نائینی. منیة الطالب، تهران.
- ◀ نجفی، شیخ محمد حسن ۱۳۹۴. جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ نراقی، مهدی ۱۳۷۰. علم اخلاق اسلامی، ترجمه‌ی کتاب جامع السعادات، ترجمه‌ی جلال‌الدین مجتبی، حکمت.
- ◀ نوری طبرسی، میرزا حسین ۱۴۰۸ق. مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، بیروت، آل البيت لإحياء التراث.